



ای نظامی

شعری از دکتر فلور طاهر تهرانی (خاور دخت)

دخترت را صیغهٔ اعراب می‌خواهد آخوند
"مستحب" باشد اگر با زائران هم بسترند
بوی کند باش رود بر هر کران و بر فنا
در اسارت می‌کشند زن را در ایران لیدچنین
پس خیالش زن بود گاوی ز اصل و از نژاد
امر او خوانی و دادی بر چنین دیوی عنان
حق او نشاسی و بر ضد او جولانگری
گر نخواهد بردگی، اخراج باید او شود
جابهٔ رزم زنان کشورت بر تن کنی
زن بود انسان و یاری بهره و یاور ترا
نه اسیری و کنیزی از برای بستر

انظامی مادرت را "گاو" می‌خواند آخوند
آشکارا گوید او زنها چو گاوند و خزند
این چنین بی شرم الدنکی دهد حکم قضا
بهر حفظ "عفتی" ایگوزد زیر نام دین
چون بود کوساله این آخوند و از مادر براد
تو بوری فرمان این کوساله بر ضد زنان
زن چو بر گیرد پیک از سر، به زندانش بری
گر نخواهد زن ستم، زندان باید او رود
نگب بادت انظامی کر ستم بر زن کنی
زن بود مادر ترا، همسر ترا، دختر ترا
زن در ایران بوده سردار و امیر کشورت

فکرت شیطان پرستان راز فتنت دور کن

دشمن بیامیه زن راز مسنده بران

چون نیاکانت به داد و آدمیت در کشا

انظامی امر این نامردمان در کور کن

حق زن را بر شناس و قدر او زین پس بدان

خیز و این بند تو تحش راز کشور بر کشا